

عشر احادیث

معناشناسی توصیفی



محمدزاعی

دانش آموخته سطح ۴ و
دانشجوی دکتری

در پژوهش انجام گرفته، محور معنایی عترت و واژگان هم معنایی آن، هر چند در نگاه کلی و اولیه، خویشاوندی است، اما در نگاه جزئی و مصداقی با تکیه بر منابع حدیثی و روایی به دلایل متعدد، متمرکز بر خویشاوندی خاص و مصادیق معین است که اراده معنای دیگری از آن، محتاج قرینه است.

در این تحقیق واژگان مرتبط با عوامل شناساننده دریافتی از احادیث از نظر معنا، تعریف [کاربردی] تحلیل شده و آنگاه کاربردهای هر یک مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: عترت، اهل بیت، آل، قریبی

چکیده

معنی شناسی و بررسی معنایی یک واژه و واژگان همسو در حوزه معرفت دینی، نقش بی بدیلی

در تبیین هدف شناسی و غرض گوینده از یک متن دارد، که نتیجه آن، فهم صحیح متون دینی از طریق شناخت راهبران و پیشوایان واقعی دین است. از واژگان نیازمند به بازشناسی معنایی به منظور شناسایی مصادیق آن، کلمه عترت است. در این نوشتار تلاش گردیده، مفهوم عترت با بازخوانی معانی که لغت پژوهان برای آن گردآورده و با نگاهی به دلالت‌ها پس از تحلیل مفاهمی لغوی، در پی پاسخ به این پرسش برآید، که آیا عترت در منابع دینی به همان گستره معنایی اولیه و مصادیق بی حد و حصر است یا خیر؟

اکثر ارباب لغت می نویسند: واژه اهل در لغت به معنای انس و قرابت است و «بیت» هم به معنای محل سکونت و جای بیتوته است. مفهوم اهل بیت در لغت یعنی کسانی که ارتباط مستحکمی با خانه دارند و اهل مرد، یعنی آنان که پیوند نسبی یا سببی یا غیر آن با او دارند. کلمه اهل بیت در قرآن بکار رفته و با بررسی موارد استعمال و قرائن موجود، اهل بیت، در مورد پیامبر ﷺ انصراف به افراد خاص دارد و بعد از بررسی ادله و قرائن، شامل پنج نفر (رسول الله، امام علی، فاطمه زهرا، حسن و حسین علیهما السلام) است.

رَهْطُهُ الْأَذْنُونُ^۱. عترت با کسر حرف نخست آن به معنای ریشه است و عترت انسان به معنای ریشه و اقوام نزدیک است.

و الْعِثْرُ كُعْهَنُ: الْأَصْلُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ... وَاحِدُهُ عِثْرَةٌ، وَ مِنْهُ: عِثْرَةُ الرَّجُلِ: وَ هِيَ قَبِيلَتُهُ وَ عَشِيرَتُهُ^۲. عترت هم وزن عهن به معنای ریشه هر شیئی است. مفرد آن عترت است و عترت الرجل به معنای قبیله و عشیره انسان، از همین کلمه است. فیروزآبادی در قاموس المحيط عترت را به معنای ریشه انسان، قوم و خویشاوندان نزدیک، می داند^۳.

در سایر معاجم لغوی مانند: مصباح المنیر، صحاح اللغة جوهری، النهاية فی غریب الحديث و الأثر، تاج العروس من جواهر القاموس، همین معنی نیز آمده است.

۲. معنای عترت در اراده استعمالی، جدی و تعیین مصداق آن

اغلب آنچه را اهل لغت در معنای عترت آورده‌اند، ناظر به موارد استعمال الفاظ است و استعمال لفظ، اعم از حقیقت و مجاز است و با آن نمی‌توان معانی حقیقی را به دست آورد، اما کثرت استعمال و توجه به اراده جدی در موارد استعمالی می‌تواند، نشانگر فهم معنایی کلمه عترت قرار گیرد. با بررسی منابع اولیه، و بررسی موارد استعمال واژه عترت در مورد پیامبر ﷺ، فهم متفاوتی و محدودی از مصادیق عترت، نمود دارد، که جملات زیر بیانگر این منظور است.

الف) مراد از عترت، اخص اقارب پیامبر صلی الله

مقدمه

عترت پیامبر ﷺ از سویی در منابع حدیثی، عدل و قرین قرآن معرفی شده و در موارد متعدد، از آنان به عنوان مفسران حقیقی قرآن یاد شده است. از دیگر سو، برای عترت، گستره معنایی طولانی و در عین حال متفاوت، در منابع لغوی و برخی از روایات آمده است. از این رو ضروری است ضمن تحلیل معنای عترت، زمینه شناخت مفسران حقیقی و پیشوایان دینی که یکی از مباحث مهم و بنیادین در فهم مقاصد معارف اسلامی، فراهم گردد. این نوشتار در صدد تحلیل گونه‌ای از مبانی، اجزاء و عوامل شناساننده کلمه عترت و مشخص شدن مصادیق آن مستند به دلالت‌های عقلی و مستند روایی از کتب معتبر است.

شیوه تحقیق نیز به این صورت است که، واژگان مرتبط با عوامل شناساننده، تعریف و تحلیل شده و آنگاه جایگاه هر یک از آن‌ها و کاربردهایی که دارند، را مورد بررسی و مذاقه قرار می‌دهد.

بدیهی است در خلال این بررسی توصیفی، مجموعه‌ای از اطلاعات راهبردی در خصوص گزاره‌های شناساننده از دیدگاه قرآن و عترت ارائه شده است.

۱- عترت در لغت

جوهره معنایی این واژه، با ملاحظه معناهای معادل و کاربردی آن، ریشه و نسل است که به عنوان نمونه می‌توان به جملات زیر اشاره کرد.

الْعِثْرُ بِالْكَسْرِ: الْأَصْلُ... وَ عِثْرَةُ الرَّجُلِ: نَسْلُهُ

علیه و آله (خویشاوندان نزدیک) است.^۴

ب) زبیدی این مطلب را نیز در تاج العروس آورده و معنی فیروزآبادی را تأیید کرده که منظور از عترت اخص اقارب (خویشاوندان نزدیک) است و می نویسد، مشهور و معروف است که عترت رسول خدا، اهل بیت او هستند، و ایشانند همان کسانی که زکات و صدقه واجبه بر آنها حرام است و آنانند مراد از ذوی القربی که بر ایشان خمس معین گردیده است، خمسی که در سوره انفال^۵ آمده است. او در ادامه می نویسد، همین نیز، سخن ابن اعرابی است.^۶

ج) مؤلف کتاب لسان العرب در ضمن ریشه یابی معانی لغوی عترت، عترت الرسول، را فرزندان فاطمه بتول علیها سلام معرفی نموده است.^۷

د) ابن اثیر نویسنده کتاب النهایه پس از نقل حدیث تقلین می نویسد: مراد از عترت، خویشاوندان نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله است.^۸

ه) در حدیث شماره ۴۷۶۲ حاکم نیشابوری آورده، وحی بر پیامبر نازل شد، پیامبر علی و فاطمه و فرزندان آنها را زیر پیراهنش قرار داد، سپس فرمود خدایا اینان خوشاوندان و اهل بیت من هستند.^۹

و) طریحی همانند ابن منظور در کتاب مجمع البحرین در تبیینی طولانی از معانی عترت، وجه جمعی از هریک از معانی، مستند به حدیثی از پیامبر اکرم ارائه می دهد، که در حدیث مورد استناد مصادیق عترت، حضرت علی علیه السلام امام حسن و امام حسین و نه فرزند از فرزند امام حسین علیه السلام که نهمین آنها حضرت مهدی علیه السلام است، معرفی شده است.^{۱۰}

با ملاحظه معنای فوق مشخص گردید که معنای اولیه و لغوی عترت، در مورد عترت پیامبر علیه السلام نمی تواند، مورد استناد قرار گیرد. به همین جهت، برخی از اهل لغت بعد از تبیین معنای لغوی عترت، نسبت به عترت پیامبر علیه السلام به جهت جایگاه آن، اهتمام به مشخص نمودن مصادیق آن، داشته اند.

۳. واژگان همسو و مترادف با عترت در متون حدیثی

عترت با واژگانی همانند، اهل بیت، آل، ذریه، هم معنا است که معناشناسی و تعیین مصادیق آنان در ارتباط با پیامبر علیه السلام، محقق را به معنای حقیقی عترت، نزدیک تر می کند.

۲-۱- اهل بیت

فهم اولیه از اهل بیت، شامل همه افراد خانواده مانند: فرزندان، همسران و وابستگان دیگر است.

اکثر ارباب لغت می نویسند: واژه اهل در لغت به معنای انس و قرابت است و «بیت» هم به معنای محل سکونت و جای بیتوته است. مفهوم اهل بیت در لغت یعنی کسانی که ارتباط مستحکمی با خانه دارند و اهل مرد، یعنی آنان که پیوند نسبی یا سببی یا غیر آن با او دارند.^{۱۱}

کلمه اهل بیت در قرآن بکار رفته و با بررسی موارد استعمال و قرائن موجود، اهل بیت، در مورد پیامبر علیه السلام انصراف به افراد خاص دارد و بعد از بررسی ادله و قرائن، شامل پنج نفر (رسول الله، امام علی، فاطمه زهرا، حسن و حسین علیه السلام) است، که برای مشخص شدن مصادیق آن، چند روایت به اختصار، گزارش می شود.

الف) ... هنگامی که آیه تطهیر^{۱۲} نازل گردید، رسول خدا علیه السلام ما (علی، فاطمه، حسن و حسین) را در عبا می گرد آورد، سپس فرمود: خدایا: اینان اهل بین من و عترت من هستند، از آنان ناپاکی را دور ساز و آنان را پاگیره گردان.^{۱۳}

ب) سخنی از پیامبر علیه السلام وارد شده است که عترت من، اهل بیت من است. در حدیث زید بن ارقم پیامبر علیه السلام سه مرتبه، اصحاب خودش را توصیه به اهل بیت خودش می نماید.^{۱۴}

ج) به تحقیق برخی از علماء، اهل بیت را تاویل به اصحاب نموده اند که این تاویل دور از صواب است و این تاویل، برخلاف مشهور و کاربرد آن است. عترت همان اهل بیت است.^{۱۵}

د) از پیامبر علیه السلام نقل شده که فرمودند: ایمان بنده ای کامل نمی گردد، مگر اینکه مرا بیشتر از خودش دوست بدارد. عترت مرا بیشتر از عترت خودش دوست بدارد و



و یکسان بودن مصادیق آنان نیز است. حضرمی از حضرت علی (علیه السلام) روایت می‌کند، که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: چهار گروه هستند که در فردای قیامت من شفیع آن‌ها خواهم بود. یکی از آن چهار گروه، کسانی هستند که ذریه مرا تکریم کند.^{۲۳} مشابه این روایت روایات متعددی است که در آن‌ها کلمه ذریه بکار رفته است.^{۲۴}

۳- واژگان متضاد با عترت

ارتباط مفهومی واژه‌های متضاد، نزد ارباب علوم مشهور است که «تُعرف الاشياء باضدادها»؛ یعنی از جمله راه‌های شناخت ویژگی‌های هر چیز، معرفت پیدا کردن به چیزهایی است که در تضاد با آن هستند. گرچه این، قاعده‌ای منطقی و برهانی نیست؛ اما در برخی مباحث، با توجه به شرایطی راهگشاست. ضد واژه مورد پژوهش، عبارت از هر آنچه دلالت بر بی‌ریشه بودن و نقصان و محرومیت از فرزند داشته باشد، است. برای فهم بهتر معنای عترت، لغت یا لغاتی، که به نظر می‌رسد در تضاد با آن قرار گرفته، مورد بررسی قرار گرفته است. دو واژه ابتر و عقیم، می‌تواند جامع معنی متضاد با عترت باشند.

۳-۱- واژه ابتر

این واژه از بتر گرفته شده و به معنای قطع و بی‌ریشه بودن است.^{۲۵} به کسی که عقبه نداشته باشد ابتر گفته می‌شود. یا به عبارت دیگر فرزند ذکور نداشته باشد، که پشت او را ادامه دهد، ابتر گفته می‌شود و سوره کوثر که خداوند می‌فرماید: ملامت‌گرتو تذکر و یاد خیرش بریده و مقطوع است، در همین عداد است.^{۲۶} این آیه پیش‌گویی در باره پندار غلط و گمان باطل دشمنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، که می‌گفتند پیامبر (صلی الله علیه و آله) در پایان عمرش به خاطر نداشتن نسل و فرزند، تذکر و یادش هم منقطع می‌شود، خدای تعالی در آیه فوق خبر می‌دهد، کسی که ذکرش و یاد خیرش منقطع خواهد شد، همان کسی است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) را ملامت

اهل بیت مرا بیشتر از اهل بیت خودش دوست بدارد و...^{۲۷}

مسلمانان به پیروی از قرآن کریم و سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) کلمه اهل بیت را در اهل بیت او استعمال کرده‌اند و این مسأله به گونه‌ای شهرت یافته که اراده معنای دیگری از این کلمه، محتاج به قرینه است.

بنابراین دو کلمه عترت و اهل بیت در عمده احادیث، همنشینی داشته و در احادیث به عنوان عطف بیان و بدل هم پوشانی دارند.

۲-۲- واژه آل

یکی دیگر از کلماتی که با عترت هم خوانشی دارد، کلمه آل است. «آل» از «أول» (همزه، واو و لام) به معنای رجوع، اشتقاق یافته است.^{۲۸}

اهل لغت آن را در قالب مضاف و مضاف الیه با کلمات دیگر معنا کرده‌اند؛ مانند: «أَلُ الرَّجُلِ» که به معنای اهل و خویشاوندان انسان است.^{۲۹}

... از امام رضا (علیه السلام) سوال شد، آیا عترت، همان آل است یا غیر آل؟ امام پاسخ می‌دهند، که همان آل هستند.^{۳۰} بنابر این حدیث، مصادیق آل، همان مصادیق عترت، خواهد بود. بین کلمه آل و اهل نیز علاوه بر قرابت معنایی، در اشتقاق و ریخت وژگانی، قرابت وجود دارد، به صورتی که گفته شده، «آل» و «اهل» یکی هستند؛ یعنی «آل» از «اهل» گرفته شده است.^{۳۱} هر چند اربلی، آل و اهل و عترت را مجزا می‌کند.^{۳۲}

۲-۳- واژه ذریه

لغت پژوهان در تبیین این واژه به نوعی از پراکندگی و انتشار در حال خردی و کوچکی اشاره نموده‌اند. ابن فارس آن را از اصل «ذرر» به معنای لطافت، پراکندگی و انتشار دانسته و می‌افزاید از آن جمله‌اند: مورچگان خرد و ریز و مفرد آن ذره است.^{۳۳}

این واژه نیز، در مورد عترت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به کار رفته و نبی مکرم الهی متناسب با درخواست‌هایی که از امت خودش در مورد عترت و اهل بیت خود داشتند، در کلمه ذریه نیز دارد، که نتیجه آن، هم‌معنایی با عترت



و سرزنش می‌کند.^{۲۷}

معنای جامع ابتر همان بی‌ریشه بودن و بی‌اصل بودن است که به دلالت التزامی دلالت بر بی‌عترت بودن دارد.

در سوره کوثر پیامبر ﷺ متنعّم به کوثر شده است و ابتر بودن به دشمنان او نسبت داده شده است. اکنون اگر متضاد بودن کلمه ابتر را با عترت بپذیریم، یکسانی مصادیق کوثر با عترت پیش خواهد آمد و با توجه به شان نزول سوره و نظر مفسرین شیعه و سنی، مراد از کوثر فرزندان حضرت علی و فاطمه علیهما سلام هستند.

فخر رازی، مفسر بزرگ اهل سنت نیز درباره یکی از معانی کوثر می‌نویسد: منظور از کوثر، فرزندان پیامبر از طریق حضرت فاطمه علیها السلام است؛ زیرا این سوره در ردّ کسانی نازل شده است که پیامبر ﷺ را به دلیل نداشتن فرزند، مورد طعن و شماتت قرار می‌دادند؛ به این سبب معنای آیه، این است که خداوند برای تو فرزندان و نسلی عنایت می‌کند که در طول تاریخ، جاویدان خواهند ماند.^{۲۸}

۳-۲- واژه عقیم

یکی دیگر از واژه‌هایی که به دلالت التزامی دلالت بر بی‌عترت بودن شخص دارد، عقیم است. این واژه از عقم، گرفته شده و به معنای خشکی و بی‌بوستی است، که مانع از پذیرش اثر است. به زنی نازا که نطفه نمی‌پذیرد، می‌گویند: عَقِمَتِ الْمَرْأَةُ وَالرَّحِمُ،^{۲۹} آن زن و رحمش، عقیم شد. آیه قرآنی هم که کلمه عقیم در آن بکار رفته است، سخن حضرت ساره همسر حضرت ابراهیم (علیه السلام) است، که به چهره خود سیلی زد و گفت پیر زنی نازایم.^{۳۰} واژه مورد نظر استطراداً به جهت تضادیابی بحث شد و ارتباطی با اصل بحث ندارد.

۴- اختلاف در مصادیق عترت

شیعه مصادیق عترت را محدود به افراد خاص می‌داند؛ اما اهل سنت به جهت ملاحظات سیاسی و حکومتی، به دنبال آن است، از معنای لغوی عترت و گستره اولیه آن، فاصله نگرفته و حتی در حدیث ثقلین که متواتراً نقل شده، سعی در جانشینی کلمه سنتی به

جای عترتی دارد. در عین حال، اهل تسنن در تعیین مصادیق عترت، نظر واحدی نداشته و به صورت اجمالی قائلند، واژه عترت به معنای اقربا، خویشاوندان، پیروان و پرهیزگاران است و در حدیث ثقلین به ائمه علیهم السلام اختصاص ندارد. سلیمان بن سعید در کتاب شرح مختصر الروضة، ذیل آیه تطهیر، ضمن محاجه روشمند با رای امامیه، در تعیین مصادیق اهل بیت (علیهم السلام) می‌نویسد: عترت، اختصاص به اهل بیت ندارد.^{۳۱}

نظر اهل سنت در تعیین مصداق عترت، به چهار گروه، قابل تقسیم است.

۱. عترت و اهل بیت پیامبر ﷺ کسانی هستند، که صدقه بر آن‌ها حرام است، همانند: فرزندان هاشم، مطلب، آل علی، آل عقیل، آل جعفر و آل عباس. استدلال این گروه روایاتی است که در صحیح بخاری و مسلم آمده است. بخاری از ابوهریره نقل می‌کند، هنگامی که فصل خرما فرا می‌رسید، هر فردی از مسلمانان برای پیامبر ﷺ خرما می‌آورد و کوهی از خرما ایجاد می‌شد. حسن و حسین علیهما سلام با خرما بازی می‌کردند. یکی از آن‌ها خرمایی در دهان خویش قرار داد. پیامبر ﷺ به او نگرست و او خرما را از دهان خود خارج کرد. سپس پیامبر ﷺ فرمود: آیا نمی‌دانستی فرزندان محمد ﷺ صدقه نمی‌خورند.^{۳۲} مسلم از عن زید بن أرقم در ذیل حدیث ثقلین، می‌نویسد، حسین بن سبره از زید بن أرقم سوال کرد، زید! اهل بیت پیامبر ﷺ چه کسانی هستند؟ آیا همسران پیامبر ﷺ از اهل بیت او نیستند؟ زید پاسخ می‌دهد. بله از اهل بیت او هستند؛ اما اهل بیت او کسانی هستند، که صدقه بر آن‌ها حرام است. او می‌پرسد، آنها چه کسانی هستند؟ زید پاسخ می‌دهد: آن‌ها آل علی، آل عقیل، آل جعفر و آل عباس هستند. می‌پرسد: آیا بر همه اینها صدقه حرام است. پاسخ می‌دهد، آری.^{۳۳} مسلم ادامه می‌دهد که این سخن از پیامبر ﷺ ثابت شده است، که صدقه بر محمد و آل محمد حلال نیست.^{۳۴}

ابن تیمیه در کتاب منهاج السنه النبویه می‌نویسد: «عترت همه بنی هاشم است و بنی هاشم عبارتند از فرزندان عباس، علی، حارث بن عبدالمطلب، سایر

اختلاف معنایی و مصداقی در لغت، به احادیث متعددی بر می‌گردد که در آن‌ها، مصادیق متفاوتی، برای عترت گزارش شده است. برای اثبات مصداق اصلی عترت، راهی جز استفاده از دلالت‌های متن، شواهد، قرائن و احادیث مرتبط با موضوع نیست و برای رسیدن به نتیجه بهتر، اتفاق بر یک حدیث مورد قبول طرفین، ضروری است.

حدیث ثقلین^{۴۱} از احادیثی است که اهل سنت و شیعه، هر دو با سندهای متعدد از رسول خدا ﷺ روایت کرده و دامنه اعتبار سندی آن، در بین احادیثی که نام عترت آمده، قابل مناقشه نیست. بحرانی صاحب کتاب غایة المرام و حجة الخصام، این حدیث را به ۳۹ طریق از کتاب‌های اهل سنت نقل کرده است. او نیز می‌نویسد، این حدیث در کتاب‌های، مسند احمد، صحیح مسلم، مناقب ابن المغازلی، سنن ترمذی، العمدة ثعلبی، مسند ابی یعلی، المعجم الاوسط طبرانی، العمدة ابن البطریق، ینایع المودة قندوزی، الطرائف ابن المغازلی، فرائد السمطین، و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید آمده است.^{۴۲}

۴-۲- فقه الحدیث حدیث ثقلین

مراجعه به متون احادیث، بدون توجه به مبانی لازم، امکان انحراف را در پی دارد. مبانی فهم درست حدیث، بر عهده دانش فقه الحدیث است. دانش «فقه الحدیث» اگر درست به کار بسته شود و مسیر منطقی آن به تمام و کمال پیموده شود، ما را به مفهوم حقیقی حدیث نزدیک می‌کند. بعد از حصول اطمینان به صدور حدیث از معصوم، اطمینان از جهت صدور، اطمینان به ظهور در معنی مورد نظر و در نظر گرفتن سایر دلایل و جمع بین آن‌ها، می‌توان معنای حدیث را مشخص کرد. در حدیث ثقلین اطمینان به صدور حدیث از معصوم وجود دارد. حدیث به جهت خاصی مانند تقیه صادر نشده است. فقط باید دلالت‌ها و قرائن موجود در متن حدیث و خارج از حدیث مورد بررسی قرار گرفته و جمع دلالتی صورت گیرد، تا مصادیق اصلی عترت مشخص گردد.

۴-۲-۱- دلالت‌های درون متن

فرزندان ابوطالب و فرزندان فرزندان ابوطالب و دیگران، بنابراین علی به تهایی عترت نیست. سرور عترت رسول الله است.»^{۳۵}

آلوسی ضمن تبیین معنای لغوی عترت، در تعیین مصادیق عترت می‌نویسد: عترت پیامبر ﷺ فرزندان عبدالمطلب هستند. ... اما در نظر قرطبی، عترت، کسانی هستند، که صدقه بر آن‌ها حرام است.^{۳۶}

۲. فقط فرزندان و همسران پیامبر ﷺ مصداق عترت هستند. ابن عبدالبر در کتاب التمهید در جمع بین دو حدیث و معرفی آل بیت پیامبر ﷺ می‌نویسد: آل پیامبر ﷺ همسران و فرزندان او هستند.^{۳۷} مبارکفوری در شرح جامع ترمذی در باب مناقب اهل بیت، ضمن بیان اقوال مختلف، در تعیین مصادیق عترت پیامبر ﷺ همسران ایشان را نیز، از مصادیق اهل بیت در آیه تطهیر شمرده است و اشکالات وارده را پاسخ داده است.^{۳۸}

۳. پیروان پیامبر ﷺ تا روز قیامت آل و عترت او هستند. استناد این رای به حدیثی از پیامبر ﷺ است، که پیامبر ﷺ حسن و حسین را فراخواند و هریک را بر روی پای خویش قرار داد. فاطمه علیها السلام را نیز نزد خود و همسرش قرار داد، سپس پیراهن خود را بر صورت آن‌ها نهاد و گفت خدایا اینان اهل من هستند. واثله که راوی روایت است، می‌گوید از پیامبر ﷺ پرسیدم آیا من از اهل تو هستم که پیامبر ﷺ پاسخ داد: تو از اهل من هستی.

طرفداران این نظریه می‌گویند، مشخص است که واثله بن اسقع از قوم بنی لیث بن بکر بن عبدمنات بوده است و مراد از اهل در اینجا، پیروان پیامبر است.^{۳۹}

۴. آل و عترت پیامبر ﷺ پرهیزگاران امت او هستند. مستند این رای نیز احادیثی هست که از پیامبر ﷺ نقل شده است.^{۴۰}

با توجه به استناد به منابع معتبر و اولیه اهل سنت، مشخص گردید، در بین خود عالمان اهل سنت، در تشخیص مصادیق عترت اختلاف وجود دارد.

۴-۱- منشاء مناقشات

ریشه بخشی از مناقشات در واژه عترت و آل، علاوه بر

جملات بکار رفته در حدیث و تناسب معنایی بین آنان، زمینه ساز، فهم کاملی از حدیث است، که برخی از تناسب‌ها و دلالت‌های حدیث، در پی می‌آید.

۴-۱-۲-۱. لازمه تقارن با کتاب هدایت، اثبات معصومیت عترت

در حدیث ثقلین وجوب تمسک به عترت در کنار تمسک به قرآن، آمده است. قرین شدن دو جمله تمسک به قرآن و تمسک به اهل بیت و امر مطلق به تبعیت از آن دو، با عصمت ملازمه دارد. با توجه به این ملازمه مصادیق عترت پیامبر ﷺ، باید معصوم باشند. برای اثبات این ادعا، دو شاهد در متن وجود دارد، که استناد به هر یک در پی می‌آید.

شاهد اول، معصومیت قرآن است. در معصومیت قرآن هیچ تردیدی بین مسلمانان وجود ندارد. قرین معصوم، بالضرورة نیز باید معصوم باشد تا هم پوشانی لازم در راهبرد هدایتی را داشته و نقض غرض در اهداف پیش نیاید.

شاد دوم امر مطلق به اطاعت و تبعیت از قرآن و عترت است. امر رسول الهی به اطاعت بی قید و شرط از کسی که دارای خطاهای متعدد است با شأن هدایت‌گری قرآن سازگاری ندارد، بلکه به لحاظ عقلی امر محال و غیر ممکن است. بنابراین، امر به تمسک به طور مطلق، به دلالت التزامی نه تنها کاشف از عصمت عترت است، بلکه برای عترت پیامبر ﷺ، نقش هدایتگری، رهبری و سعادت‌مندی برای بشریت قابل اثبات است.

اکنون با توجه به دو شاهد درون متنی، شاخصه اصلی مصادیق عترت پیامبر ﷺ معصومیت است. از سوی دیگر، از بین مصادیقی که برای عترت پیامبر ﷺ در انظار چهارگانه اهل سنت گذشت، جز برای حضرت علی، حضرت فاطمه زهرا و فرزندان آنان علیهم السلام ادعای عصمت نشده است، از این رو عترت بر افراد خاص اهل بیت پیامبر ﷺ انطباق دارد و ارتباطی با غیر ائمه معصومین ﷺ ندارد.

۴-۲-۱-۲. اعلیت شاخصه مصادیق عترت

در ادامه حدیث ثقلین، پیامبر اکرم ﷺ فرموداند: «فلا تقدموهم فتهلكوا ولا تعلموهم فاتهم أعلم منكم»، بر آنان مقدم نشوید که هلاک می‌شوید و به آنان چیزی تعلیم ندهید؛ چرا که آنان از شما عالم‌ترند.^{۴۳}

این قسمت از حدیث، یکی دیگر از نشانه‌های شناخت عترت پیامبر ﷺ را مشخص کرده است و آن اعلم بودن آنان است. در بین صحابه و یاران پیامبر ﷺ حضرت علی (علیه السلام) به عنوان باب علم معرفی شده است. ابن حجر در ذیل حدیث ثقلین می‌نویسد، سخن پیامبر ﷺ «فاتهم أعلم منكم» دلیل بر شایستگی آنان برای جایگاه والا و رهبری دینی است و مقدم بر دیگران هستند و کسی شایستگی پیشی گرفتن بر آنان را ندارد. او در ادامه عترت و اهل بیت پیامبر ﷺ را فخر قریش معرفی می‌کند و همسران پیامبر را به دلیل اینکه صدقه بر آنها حرام نیست جزء اهل بیت، به معنای خاص قرار نمی‌دهد.^{۴۴}

در بین متسویین سببی و نسبی پیامبر الهی، افرادی که باشاخصه علم معرفی شده‌اند، مشخص هستند و مصداق اتم اعلیت، مستند به حدیث نبی مکرم الهی «انا مدینه العلم و علی بابها» حضرت علی (علیه السلام) و فرزندان او هستند. بنابراین منظور از عترت پیامبر ﷺ، اقارب و خویشانی است، که اعلم هستند، نه مطلق اقارب و بدین قرینه، حدیث ثقلین در افراد خاص تعیین پیدا می‌کند.

۴-۲-۲-۲. دلالت‌های برون متنی

مراد از دلالت‌های برون متنی، احادیث و روایات فراوانی است که در شان عترت پیامبر ﷺ در مناسبت‌های مختلف، وارد شده و به تواتر معنوی و اجمالی، مصادیق عترت را مشخص کرده، که به تبع آن مراد از عترت در حدیث ثقلین نیز معلوم می‌شود. برخی از آنان احادیثی که در منابع معتبر اهل سنت آمده، مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱. قرطبی در ذیل آیه شریفه قربی (شوری/۲۳) در تعیین مصداق قربی و عترت می‌نویسد: ... سعید بن جبیر در روایتی طولانی از ابن عباس روایت می‌کند،

بسم الله الرحمن الرحيم

مصادیق عترة مشخصاً

افرادی هستند که شأنت

مقارنت با قرآن را داشته باشند.

متیقن الافرادى که نسبت به آنها از

نگاه اهل سنت و تشیع در مصداق

عترة بودن اجماع وجود دارد،

حضرت زهرا علیها السلام و ائمه دوازده

گانه شیعه علیهم السلام می باشند. در نتیجه

افراد مزبور به جهت معصومیتی

که دارند، هم شأنت قرین قرآن

واقع شدن را دارند و هم در مصداق

عترة بودن آنان تردیدی وجود

ندارد. اما نسبت به اکثریت افراد،

علاوه بر اختلاف در مصداقیت آنان،

مانند همسران پیامبر، شأنت قرین

واقع شدن با قرآن و نقش هدایت

گری برای جامعه اسلامی را ندارند.

هنگامی که آیه شریفه «قل لا أسألكم علیه أجراً إلا المودة فی القربى» نازل شد. اصحاب گفتند، یا رسول الله صلی الله علیه و آله مخاطب این آیه چه کسانی هستند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود، علی و فاطمه و فرزندان علی و فاطمه علیهم السلام منادی این آیه هستند. در ادامه پیامبر صلی الله علیه و آله جایگاه عترة و آثار محبت به آنان را بیان می کند.^{۴۵} زمخشری مشابه این حدیث را به صورت گسترده تر در تفسیر خودش آورده و ضمن معرفی مصادیق عترة، فضیلت های فراوانی برای آنان بیان نموده است.^{۴۶}

۲. حکیم ترمذی در کتاب نوادر الاصول در ذیل حدیث تقلین می نویسد: سخن پیامبر در حدیث تقلین، بر ائمه که سادات هستند، منطبق است نه بر غیر ایشان. گنهکاران آنان اسوه و الگو نیستند.^{۴۷}

۳. ابن حجر مکی در الصواعق المحرقة می نویسد: «پس اهل بیت بر این امر از دیگر قریش شایسته ترند؛ چرا که آنان دارای ویژگی هایی هستند که بقیه قریش دارای آن ها نیستند... آن گاه شایسته ترین فرد بر این امر پیشوا و دانشمند آنان علی بن ابی طالب است که پیامبر او را در آن چه در روز غدیر خم گذشت، به آن اختصاص داد.»^{۴۸}

ملاً علی قاری در این زمینه می نویسد: «به نظر می رسد که بیشتر اوقات، اهل بیت، از صاحب خانه و احوال او آگاه ترند. پس منظور از اهل بیت عالمان آن هاست که از سیره و روش پیامبر اکرم آگاهی دارند.»^{۴۹} تا آن جا که می گوید: «و با این بیان، اهل بیت شایستگی می یابند که مساوی با کتاب خدای متعال قرار گیرند.»^{۵۰}

۴. عبدالحق دهلوی نیز، در أشعة

اللمعات في شرح المشكاة می نویسد: «منظور پیامبر ﷺ از عترت، خویشان و عشیره خاص ایشان یعنی فرزندان و ذریه اوست.»^{۵۱}

۵. مناوی در شرح الجامع الصغیر می نویسد: اهل بیت همان اصحاب کساء هستند که خداوند هر رجس و پلیدی را از آنان زدود و آنان را پاک و پاکیزه ساخت. مناوی در ذیل حدیث تهلیل بعد از عترتی، اهل بیتی را می آورد و نقش آن را عطف بیان یا بدل از عترت قرار می دهد.^{۵۲} سپس در جایی دیگر اهل بیت پیامبر ﷺ را فاطمه، فرزندان فاطمه و علی علیه السلام معرفی می کند.^{۵۳}

۶. قاضی نعمان مغربی از نویسندگان اسماعیلی نیز ضمن تبیین معنای عترت، حضرت علی، فاطمه و حسنین علیهم السلام را نزدیکان و مصداق عترت پیامبر ﷺ دانسته است.^{۵۴}

از این نمونه روایات، خاصه در آثار امامی به مراتب بیشتر است.

تحلیل

هریک از مذاهب اسلامی، متناسب با پیش فرض هایی که دارند، به احادیثی که موید نظر آنها در تعیین مصداق عترت باشد، استناد می کنند، که نتیجه آن اختلافاتی است، که مورد اشاره قرار گرفت. برای برون رفت از این پراکندگی و تعیین مصداق اصلی عترت، وجه جمع های متعددی می توان پیشنهاد داد، اما به جهت اهمیت موضوع و قرین شدن قرآن و عترت در حدیث تهلیل، مصداق عترت مشخصاً افرادی هستند که شأنیت مقارنت با قرآن را داشته باشند. متیقن الافرادی که نسبت به آنها از نگاه اهل سنت و تشیع در مصداق عترت بودن اجماع وجود دارد، حضرت زهرا علیها السلام و ائمه دوازده گانه شیعه علیهم السلام می باشند. در نتیجه افراد مزبور به جهت معصومیتی که دارند، هم شأنیت قرین قرآن واقع شدن را دارند و هم در مصداق عترت بودن آنان تردیدی وجود ندارد. اما نسبت به اکثریت افراد، علاوه بر اختلاف در مصداقیت آنان، مانند همسران پیامبر، شأنیت قرین واقع شدن با قرآن و نقش هدایت گری

برای جامعه اسلامی را ندارند.

نتیجه گیری

معنای عترت به معنای ریشه و نسل یک خانواده است؛ اما واژه عترت در سخن پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به دلایل:

✓ شواهد و قرائن حدیث و دلالت های حدیثی

✓ ضرورت برخورداری از علم و عصمت مستند به فهم دلالتی حدیث

✓ استمرار اهداف نبوت در ذریه پیامبر الهی صلی الله علیه و آله

✓ نظر غالبی اهل لغت

✓ و تایید و تصریح بسیاری از اندیشمندان بزرگ اهل سنت، فقط شامل حضرت زهرا علیها السلام و ائمه اثنی عشر صلوات الله علیهم اجمعین است.

پی نوشت

- ۱- مجمع البحرین، ۳/ ۳۹۵.
- ۲- طراز الأول و الكنز لما علیه من لغة العرب المعول، ۸/ ۳۶۳.
- ۳- قاموس المحيط، ۲/ ۸۴.
- ۴- النهاية في غريب الحديث، ۳/ ۱۷۷.
- ۵- انفال، ۴۱.
- ۶- تاج العروس، ۷/ ۱۸۶.
- ۷- لسان العرب، ۴/ ۵۳۸.
- ۸- النهاية في غريب الحديث، ۳/ ۱۷۷.
- ۹- المستدرک علی الصحیحین، ح ۴۷۶۲.
- ۱۰- مجمع البحرین، ۳/ ۳۹۶.
- ۱۱- مصباح المنیر، ۶۸؛ لسان العرب، ج ۱۱، ص ۲۹؛ واژه «اهل» مفردات راغب، ص ۲۹؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۵۰؛ مفردات راغب، ص ۲۹؛ قاموس المحيط، ج ۳، ص ۳۳۱.
- ۱۲- احزاب، آیه ۳۲.
- ۱۳- مناقب ابن مغازی، ۱/ ۳۶۵.
- ۱۴- مسند احمد، ۱۷/ ۱۷۵.
- ۱۵- اُرشیف ملتقی اهل الحديث، ۳۴/ ۶۲.
- ۱۶- جواهر العقدین، العقد الثاني، الذکر العاشر، ص ۲۴۶؛ استجلاب ارتقاء الغرف، ص ۵۶، باب الحث علی حیثهم.
- ۱۷- معجم مقاییس اللغة؛ ج ۱، ص ۱۵۸.
- ۱۸- العين؛ ج ۱، ص ۹۴؛ جمهرة اللغة؛ ج ۱، ص ۸۷.
- ۱۹- عیون أخبار الرضا، ۲/ ۲۰۷-۲۱۷.
- ۲۰- تهذیب اللغة؛ ج ۱۵، ص ۴۲۸-۴۳۹.
- ۲۱- کشف الغمه، ۱/ ۶۳.
- ۲۲- معجم مقاییس اللغة؛ ج ۲، ص ۳۴۳.
- ۲۳- وسیلة المال، ۱۱۵. (روی الحضرمی باسناده عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: «قال رسول الله: أربعة أنا شفيح

- لهم يوم القيامة: المكرم لذريتي... ٣٥ - منهاج السنة النبوية، ٣٩٦/٧.
- ٣٦ - روح المعاني، ١٩٧/٢٢.
- ٣٧ - التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد، ٣٠٣/١٧.
- (وفي هذا الحديث اللهم صل على محمد وآل محمد وأزواجه وذريته فقالوا هذا يفسر ذلك الحديث ويبين أن آل محمد هم أزواجه وذريته، ...)
- ٣٨ - تحفه الاحوازي شرح جامع الترمذي، ٣٧٨٦ج/١٩٥/١٠.
- ٣٩ - جلاء الأفهام، ٢٢١/١.
- (أن النبي صلى الله عليه وسلم دعا حسناً وحسيناً، فأجلس كل واحد منهما على فخذه، وأدنى فاطمة رضي الله عنها من حجره وزوجها، ثم لف عليهم ثوبه، يا ثم قال: اللهم هؤلاء أهلي، قال وثلة: فقلت رسول الله، وأنا من أهلِكَ؟ فقال: وأنت من أهلي قالوا: ومعلوم أن وثلة بن الأسقع من بني ليث بن بكر بن عبد مناة، وإنما هو من أتباع النبي صلى الله عليه وسلم).
- ٤٠ - المعجم الصغير، ١١٥/١؛ ذخيرة الحفاظ، ١٤٣٨/٣.
- (عن أنس بن مالك قال سئل النبي صلى الله عليه وسلم من آل محمد فقال كل بقي وقال وتلا رسول الله صلى الله عليه وسلم إن أوليائه إلا المتقون.) - (و حديث: سئل رسول الله - صلى الله عليه وسلم - عن آل محمد؟ فقال: آل محمد كل بقي، ثم قرأ إن أوليائه إلا المتقون)
- ٤١ - مسند احمد بن حنبل، ١٧٠/١٧.
- عن أبي سعيد، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إني تارك فيكم الثقلين، أخذتهما أكبر من الآخر: كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض، وعزتي أهل بيتي، وإني ما لن يفترقا حتى يردا علي الخوض»
- متنى را كه اهل سنت نقل کرده اند و در صحيح مسلم، ترمذی و مسند احمد وجود دارد، با این عنوان آمده: «كتاب الله وعترتي» كه مشهور بين اهل سنت همين متن است.
- ٤٢ - غايه المرام و حجة الخصام، ٣٠٤ - ٣٢٠.
- ٤٣ - رك: مناقب الامام امير المؤمنين عليه السلام، ٣٧٦/ ٢، حديث ٨٤٩.
- ٤٤ - ر.ك: الصواعق المحرقة على اهل الرض و الضلال و الزندقه، ٦٥٤/٢.
- (وفي قوله صلى الله عليه وسلم لا تقدموهما فتهللوا ولا تقصروا عنهما فهللوا ولا تعلموهم فإتهم أعلم منكم) دليل على أن من تاهل منهم للمراتب العلية والوظائف الدينية كان مقدما على غيره ویدل له التصریح بذلك في كل
- لهم يوم القيامة: المكرم لذريتي... ٣٥ - منهاج السنة النبوية، ٣٩٦/٧.
- ٣٦ - روح المعاني، ١٩٧/٢٢.
- ٣٧ - التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد، ٣٠٣/١٧.
- (وفي هذا الحديث اللهم صل على محمد وآل محمد وأزواجه وذريته فقالوا هذا يفسر ذلك الحديث ويبين أن آل محمد هم أزواجه وذريته، ...)
- ٣٨ - تحفه الاحوازي شرح جامع الترمذي، ٣٧٨٦ج/١٩٥/١٠.
- ٣٩ - جلاء الأفهام، ٢٢١/١.
- (أن النبي صلى الله عليه وسلم دعا حسناً وحسيناً، فأجلس كل واحد منهما على فخذه، وأدنى فاطمة رضي الله عنها من حجره وزوجها، ثم لف عليهم ثوبه، يا ثم قال: اللهم هؤلاء أهلي، قال وثلة: فقلت رسول الله، وأنا من أهلِكَ؟ فقال: وأنت من أهلي قالوا: ومعلوم أن وثلة بن الأسقع من بني ليث بن بكر بن عبد مناة، وإنما هو من أتباع النبي صلى الله عليه وسلم).
- ٤٠ - المعجم الصغير، ١١٥/١؛ ذخيرة الحفاظ، ١٤٣٨/٣.
- (عن أنس بن مالك قال سئل النبي صلى الله عليه وسلم من آل محمد فقال كل بقي وقال وتلا رسول الله صلى الله عليه وسلم إن أوليائه إلا المتقون.) - (و حديث: سئل رسول الله - صلى الله عليه وسلم - عن آل محمد؟ فقال: آل محمد كل بقي، ثم قرأ إن أوليائه إلا المتقون)
- ٤١ - مسند احمد بن حنبل، ١٧٠/١٧.
- عن أبي سعيد، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إني تارك فيكم الثقلين، أخذتهما أكبر من الآخر: كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض، وعزتي أهل بيتي، وإني ما لن يفترقا حتى يردا علي الخوض»
- متنى را كه اهل سنت نقل کرده اند و در صحيح مسلم، ترمذی و مسند احمد وجود دارد، با این عنوان آمده: «كتاب الله وعترتي» كه مشهور بين اهل سنت همين متن است.
- ٤٢ - غايه المرام و حجة الخصام، ٣٠٤ - ٣٢٠.
- ٤٣ - رك: مناقب الامام امير المؤمنين عليه السلام، ٣٧٦/ ٢، حديث ٨٤٩.
- ٤٤ - ر.ك: الصواعق المحرقة على اهل الرض و الضلال و الزندقه، ٦٥٤/٢.
- (وفي قوله صلى الله عليه وسلم لا تقدموهما فتهللوا ولا تقصروا عنهما فهللوا ولا تعلموهم فإتهم أعلم منكم) دليل على أن من تاهل منهم للمراتب العلية والوظائف الدينية كان مقدما على غيره ویدل له التصریح بذلك في كل
- ٥٣ - همان، ٣٨/١.
- (أحب أهل بيتي إلي وهم فاطمة وابناها وعلي أصحاب النساء الحسن والحسين)
- ٥٤ - شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار، ٤٨٠/٢.
- ٥٥ - تفسير القرطبي، ٢٢/١٦.
- (وفي رواية سعيد بن جبیر عن ابن عباس: لما أنزل الله - عز وجل قالوا: يا رسول الله، من هؤلاء الذين نودهم؟ قال: علي وفاطمة وأبناؤهما)
- ٤٦ - الكشف عن حقائق غوامض التنزيل، ٢٢٠/٤.
- (وقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: من مات على حب آل محمد مات شهيدا، ألا ومن مات على حب آل محمد مات مغفورا له، ألا ومن مات على حب آل محمد مات تابيا، ألا ومن مات على حب آل محمد مات مؤمنا مستكملا للإيمان، ألا ومن مات على حب آل محمد بشره ملك الموت بالجنة، ثم منكر ونكير، ألا ومن مات على حب آل محمد يرف إلى الجنة كما ترف العروس إلى بيت زوجها، ألا ومن مات على حب آل محمد فتح له في قبره بابان إلى الجنة، ألا ومن مات على حب آل محمد جعل الله قبره مزار ملائكة الرحمة، ألا ومن مات على حب آل محمد مات على السنة والجماعة، ألا ومن مات على بغض آل محمد جاء يوم القيامة مكتوب بين يديه: أيس من رحمة الله، ألا ومن مات على بغض آل محمد مات كافرا، ألا ومن مات على بغض آل محمد لم يشم رائحة الجنة)
- ٤٧ - نوارد الأصول في احاديث الرسول الحكيم، ٢٥٩/١.
- (وقوله صلى الله عليه وسلم لن يفترقا حتى يردا علي الخوض وقوله صلى الله عليه وسلم ما إن أخذتم به لن تضلوا واقع على الأئمة مؤتهم السادة لا على غيرهم وليس بالمسيء المخلط قدوة).
- ٤٨ - الصواعق المحرقة، ٤٤٢/٢ - ٤٤٣.
- (أهل البيت منهم أولى منهم بذلك لأنهم امتازوا عنهم بخصوصيات لا يشاركونهم فيه بقية قريش... ثم أحق من يتمسك به منهم إمامهم وعالمهم علي بن أبي طالب كرم الله وجهه... وكذلك خصه صلى الله عليه وآله بما ميز يوم غدیر خم)
- ٤٩ - المرقاة في شرح المشكاة، ١٣٩/٥.
- ٥٠ - همان ٥/ ٦٠٠، به نقل از تشييد المراجعات: ١٢٨/١.
- ٥١ - اشعة اللمعات في شرح المشكاة: ٦٨١/٤، به نقل از تشييد المراجعات: ١١٢/٥٢ - التيسير بشرح الجامع الصغير، ٣٦٧/١.
- ٢٤ - المناقب، الفصل السادس، ٣٤.
- (روى الخوارزمي بإسناده ... سمعت جدي رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يقول: من أحب أن يحيى حياتي، ويموت ميتتي، ويدخل الجنة التي وعدني ربي، فليتل علي بن أبي طالب وذريته وأهل بيته...)
- ٢٥ - كتاب العين، ١١٨/٨؛ كتاب الماء، ٩٤/١.
- ٢٦ - مفردات الفاظ القرآن، ١٠٧.
- ٢٧ - ترجمه و تحقيق مفردات الفاظ القرآن، ٣٣٨/١.
- ٢٨ - مفاتيح الغيب، تفسير كبير، ٣٢٢، ص ٣١٣.
- ٢٩ - ترجمه مفردات الفاظ قرآن، ٦٣١/٢.
- ٣٠ - داريات، ٢٩٠/٢٩. (فصكت وجهها و قالت عَجُوزٌ عَقيِمٌ)
- ٣١ - مختصر الروضة، ١٠٧/٣.
- ٣٢ - صحيح البخاري، ١٢٤/٢، باب أخذ صدقة التمر عند صرام النخل.
- (... كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يؤتى بالتمر عند صرام النخل، فيجيء هذا بتمره، وهذا من ثمره حتى يصير عنده كؤسا من ثمر، فجعل الحسن والحسين رضي الله عنهما تلعبان بذلك التمر، فأخذ أحدهما ثمرة، فجعلها في فيه، فنظر إليه رسول الله صلى الله عليه وسلم، فأخرجها من فيه، فقال: أما علمت أن آل محمد صلى الله عليه وسلم لا يأكلون الصدقة؟
- ٣٣ - صحيح مسلم، ١٨٧٢/٤.
- (... قام رسول الله صلى الله عليه وسلم يوما فينا خطيبا، بما يدعى حُما بين مكة والمدينة فحمد الله وأثنى عليه، وعظ و ذكر، ثم قال: «أما بعد، ألا أيها الناس فإنما أنا بشر يوشك أن يأتي رسول ربي فأجيب، وأنا تارك فيكم ثقلين: أولهما كتاب الله فيه الهدى والنور فخذوا بكتاب الله، واستمسكوا به فحذّ على كتاب الله ورغب فيه، ثم قال: «وأهل بيتي أدرككم الله في أهل بيتي، أدرككم الله في أهل بيتي، أدرككم الله في أهل بيتي، أدرككم الله في أهل بيتي، ومن أهل بيتي؟ يا زيد أليس ينسأؤ من أهل بيتي؟ قال: ينسأؤ من أهل بيتي، ولكن أهل بيتي من خرم الصدقة بعده، قال: ومن هم؟ قال: هم آل علي وآل عبيد، وآل جعفر، وآل عباس قال: كل هؤلاء خرم الصدقة؟ قال: نعم).
- ٣٤ - صحيح مسلم، ٧٥٤/٢.
- (وقال في الحديث: ثم قال لنا إن هذه الصدقات إنما هي أوساخ الناس، ولها لا تحل لمحمد، ولا لآل محمد)